

عوامل فردی رفاه زدگی

مرضیه بهادری^۱

چکیده

رفاه بهره‌مندی اکثریت افراد جامعه از امکانات مادی از جمله تغذیه، مسکن، لباس، بهداشت، تفریح و مواردی دیگر است که به نحوی مطلوب استفاده کنند. مفهوم رفاه‌زدگی به این معنا است که انسان از اموال و ثروت، فراتر از حد متعارف بهره گیرد و با اعمالی چون اسراف و تبذیر و مانند آنها، نعمت‌های الهی را تباه سازد. بلکه رفاه زدگی در حقیقت اندیشه و طرز تفکر است که در برخی ثروتمندان ایجاد و بازتاب آن در رفتار افراد نمایان می‌شود. به طوری که دچار طغیان و غفلت ناشی از نعمت شده و روز جزا را فراموش می‌کنند. و این خصیصه در اثر عواملی فردی و اجتماعی بروز می‌کند. روش انجام این تحقیق توصیفی است؛ و در صدد بررسی عوامل فردی رفاه زدگی بوده است. این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است و هدف اصلی از این تحقیق بیان عوامل فردی رفاه زدگی می‌باشد و نتایج حاصل از این تحقیق این است که رفاه زدگی هر چند یک بیماری عمومی است و در اثر عوامل فردی پیروی از هوای نفس، غفلت زدگی، دنیا گرایی چشم و هم چشمی و ثروت اندوزی و تکاثر طلبی بروز می‌کند.

کلید واژه: رفاه، رفاه زدگی، عوامل، فردی.

۱. سطح دو، حوزه علمیه فاطمیه (سلام الله علیها)، زرنند.

مقدمه

رفاه به معنی تن آسانی، آسودگی، آسایش و برخورداری از امکانات مادی است. رفاه زدگی همانند دیگر رذایل دارای علل و عواملی است که در شکل گیری آن نقش موثری دارند. بنابراین برای شناخت رفاه زدگی ابتدا باید عوامل ایجاد رفاه زدگی را بررسی کرد. با مطالعه آیات می توان دریافت که عوامل زیادی در ایجاد رفاه زدگی موثرند. پس لازم و ضروری است که در این زمینه به تفحص و بررسی پرداخته شود. مقاله حاضر پاسخ گوی این سوالات است: ۱- رفاه زدگی به چه معناست؟ ۲- عوامل فردی رفاه زدگی چیست؟

هدف این مقاله بررسی عوامل فردی رفاه زدگی است. در مورد پیشینه علمی عوامل فردی رفاه زدگی تحقیقاتی ناچیز و کلی صورت گرفته ولی این مقاله به صورت مفصل تر فقط به عوامل فردی اشاره دارد. در این مقاله از منابعی استفاده شده که عبارت است از: کتاب پیامدهای رفاه زدگی نوشته صدیقه پور محمدی ماهونکی، کتاب مدیریت اصلاح الگوی مصرف از دیدگاه اسلام نوشته: مدیریت مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی و سایر موارد.

مفهوم رفاه

رفاه در لغت به معنای تن آسایی، آسودگی، آسایش است.^۱ اما در اصطلاح رفاه عبارت است از : بهره‌مندی اکثریت افراد جامعه از امکانات مادی از جمله تغذیه، مسکن، لباس، بهداشت، تفریح و ... که به نحوی مطلوب استفاده کنند.^۲

مفهوم رفاه زدگی

مفهوم رفاه‌زدگی به این معنا است که انسان از اموال و ثروت، فراتر از حد متعارف بهره گیرد و با اعمالی چون اسراف و تبذیر و مانند آنها، فرآورده‌ها و محصولات را تباه سازد. بلکه رفاه زدگی در حقیقت اندیشه و طرز تفکر است که در برخی ثروتمندان ایجاد و بازتاب آن در رفتار افراد نمایان می‌شود. به طوری که دچار طغیان و سرکشی و گرفتار مستی و غفلت ناشی از نعمت شده و روز جزا را فراموش می‌کنند. شکر نعمت واژه‌ای است که حضرت علی (علیه السلام) در مورد این افراد به کار می‌برد.^۳ از نظر اسلام حیاط دنیوی و رفاه، زمانی معقول و مطلوب است که برای تأمین سعادت اخروی و کسب رضایت حق تعالی باشد. اما هدف قرار گرفتن رفاه، آسایش و لذت‌های حیوانی در دنیا مانع رشد و تعالی کمالات انسانی و موجب فساد و تباهی او می‌گردد.^۴

عوامل فردی رفاه زدگی

در این مقاله به برخی از عوامل فردی رفاه زدگی اشاره می‌شود که مهم‌ترین عوامل فردی رفاه زدگی عبارت است از:

۱- پیروی از هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی

یکی از عوامل فردی رفاه زدگی پیروی از هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی است. هوای نفس عبارت است از تمایلات و خواسته‌های نفسانی که از جنبه مادی انسان سرچشمه گرفته و در جهت تقویت بعد حیوانی انسان عمل می‌نماید و او را به سوی انحطاط و سقوط سوق می‌دهد، این

۱. معین، فرهنگ فارسی، ص ۴۸۴.

۲. حسینی و احمدی فر، رفاه اقتصادی از منظر قرآن و آموزه‌های رضوی، ص ۱۲۶ و ۱۲۵.

۳. علی ابن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷.

۴. پورمحمدی ماهونکی، پیامدهای اجتماعی رفاه زدگی، ص ۲۸.

تمایلات زودگذر و فانی ابتدا در قالب آرزوها و سپس به تدریج در قالب خواسته‌های جدی ظهور می‌نمایند و در نهایت به تلاش و کوشش برای دستیابی به آن‌ها می‌انجامند. به عبارت دیگر در تقابل بین دو بعد ملکوتی و خاکی انسان هوای نفس، میل‌ها و خواسته‌هایی است که بعد خاکی آدمی را طراوت بخشیده و در جهت سیطره آن بر تمام حقیقت انسان برمی‌آید و برای خاموش نمودن چراغ عقل که بعد ملکوتی را روشن می‌ساخته تلاش می‌کند، و در نهایت مانع حرکت انسان به سوی کمال واقعی و رشد معنوی و تعالی روحی او می‌گردد و یا لاقلاً سرعت او را کند می‌نماید.^۱

علاقه به دنیا و هواپرستی، انسان را نسبت به امور دیگر بی‌تفاوت می‌کند. در قرآن آمده:

« وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ »^۲ و اگر می‌خواستیم، (قدر و ارزش) او را به وسیله‌ی آیات (و علمی که به او داده بودیم) بالا می‌بردیم، ولی او به زمین (و مادیات) چسبید و از هوس خود پیروی کرد. پس مثل او مثل سگ است که اگر به آن حمله کنی دهان باز کرده و پارس می‌کند و زبان بیرون می‌آورد و اگر او را واگذاری، باز چنین می‌کند (همیشه دهان دنیاپرستان باز است)، این، مثل کسانی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان را (برایشان) بازگو، باشد که بیندیشند.

در تفسیر آیه فوق آمده: خداوند قادر است که آیات خود را وسیله رفعت بشر قرار دهد، به شرط آن که انسان خود در پی رسیدن به آن مقام باشد ولی اگر مثل (بلعم باعورا) به زمین بچسبد و به ذلت و خواری راضی گردد و به شهوات و امیال زودگذر حیوانی خرسند باشد خدا نیز او را به حال خود رها خواهد کرد. پیروی از هوا نتیجه پای بند شدن به امیال و شهوات این جهان و توجه نکردن به ارزش‌های روحی، خشنودی خدا و بهشت او است. علم معراج بشر است ولی وقتی که کسی دل در زمین بندد و به شهوات آن خوی گیرد، علم نیز به زودی جای خود به جهل دهد و عقل تسلیم شهوت گردد و سخن علم در نزد عالمان دنیا پرست، چون زبان بیرون آوردن سگان باشد که اگر به او حمله کنی زبان از دهان بیرون آرد و اگر رهایش کنی باز هم. اما حیوانات دیگر هنگامی که احساس خطر می‌کنند و می‌خواهند از خود دفاع کنند، زبان از دهان بیرون می‌آورند. عالمی هم که در پی هوای نفس خویش است، سخن را، برای عمل به آن یا راهنمایی مردم به خیر نمی‌گوید؛ بلکه به خاطر مباحات و

۱. محمدیان، برادری داشتیم که...، ص.

۲. اعراف، ۱۷۶.

خودنمایی بر مردم این طوری سخن می گوید که همانند آن سگ است. پس علم بدون هدف، یا علمی که برای هدف‌های پست باشد چون له له زدن سگ هیچ فایده و کرامتی در پی ندارد.^۱ در آیه‌ی دیگری آمده:

«أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَغَلَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»^۲؛ پس آیا دیدی کسی را که هوای خویش را معبود خود قرار داده و خداوند او را با وجود آگاهیش به بیراهه گذاشت و بر گوش و قلبش مهر زد و بر چشمش پرده‌ای نهاد. پس بعد از خدا کیست که او را هدایت کند، پس آیا پند نمی‌گیری؟

بر اساس آیه فوق، قرآن درباره‌ی دو گروه تعبیر «خَتَمَ اللَّهُ» آورده است: یکی کفار که می‌فرماید: «خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ عَلَىٰ سَمْعِهِمْ»^۳ و دیگری هواپرستان که در آیه فوق می‌فرماید: «خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ». انسان ذاتاً موجودی پرستش‌گر است اما در انتخاب معبود منحرف می‌شود و به جای خدا به سراغ هوس‌ها می‌رود. مراد از هوی پرستی نادیده گرفتن وظیفه و پیروی از غریزه است. هوی پرستی ابزار شناخت را از کار می‌اندازد به گونه‌ای که نه چشم حقیقت را می‌بیند و نه گوش حق را می‌شنود و نه دل درک صحیح دارد و عامل هوی پرستی گرایش به مادیات است که انسان را به رفاه زدگی و مادی گرایی می‌کشانند.^۴

در مورد نفس اماره نیز می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»^۵؛ زیرا نفس اماره انسان را به کارهای زشت و ناروا سخت و می‌دارد جز آن که خدای من رحم کند. چنان چه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دشمن سرسخت درون ما را نفس اماره می‌داند. «قَالَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله و سلم) أَغْدَىٰ عَدُوُّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ»؛ بالاترین دشمن، نفس اماره توست که میان پهلوی توست.

۱. مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۳، ص ۴۲۳-۴۲۲.

۲. جاثیه، ۲۳.

۳. بقره، آیه ۷.

۴. قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۵۳۵-۵۳۴.

۵. یوسف، ۵۳.

۶. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۵۹.

و-فراموش کردن مرگ: «لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ»؛^۱ به او می‌گویند واقعا که از این حال سخت در غفلت بودی، ولی ما پرده‌ات را از جلوی چشمانت برداشتیم و دیده‌ات امروز تیز است.

ز-همنشینی با دوستان ناباب: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»؛^۲ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا»؛^۳ ای وای! کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم! او بود که مرا به گمراهی کشانید؛ پس از آن که قرآن به من رسیده بود و شیطان همواره فروگذارنده انسان است.

ح-غفلت از آیات الهی: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ»؛^۴ أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛^۵ کسانی که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند و کسانی که از آیات ما غافل هستند. آنان به کیفر آن چه به دست می‌آوردند، جایگاهشان آتش است.

ط-کفر: «أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»؛^۶ آنان کسانی‌اند که خدا بر دل و گوش و دیدگان‌شان مهر نهاده و آنها همان غافلان می‌باشند.

ی-علاقه افراطی به اموال و اولاد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛^۷ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [زنهار] اموال شما و فرزندان‌تان شما را از یاد خدا غافل نگردانند، البته کسانی که در اثر توجه به امور دنیا از یاد خدا غافل می‌شوند، آن‌ها، همان زیان‌کاران هستند.

و البته برای درمان غفلت راه‌هایی وجود دارد که به تعدادی از این راه‌کارها اشاره می‌شود.

الف-ذکر خدا: «إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا

۱. ق. ۲۲.

۲. فرقان، ۲۹-۲۸.

۳. یونس، ۸-۷.

۴. نحل، ۱۰۸.

۵. منافقون، ۹.

رَشَدًا»؛^۱ مگر آن که خدا بخواهد و چون فراموش کردی، پروردگارت را باز به یاد آور و بگو امید که پروردگار مرا به حقایقی بهتر و علومی برتر، هدایت کند.

ب- خواندن در قرآن: «كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ*فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ»^۲؛ چنین نیست، قرآن، در حقیقت، پند و یادآوری است، تا هر که خواهد از آن پند گیرد.

ج- یاد نعمت ها و نعمت دهنده: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا* لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا»^۳؛ و اگر مردم در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی (علم، رحمت و رزق) به ایشان می نوشانیم تا به آن نعمت، آن ها را بیازماییم و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، خدا، او را به عذابی سخت در آورد.

د- عبرت از تاریخ پیشینیان: «أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى»^۴؛ آیا برای هدایتشان کافی نبود که ببینند چه نسل ها را پیش از آن ها نابود کردیم که اینک، در سراهای همان ها راه می روند؟ به راستی، برای خردمندان در این امر نشانه هایی عبرت انگیز است.

ه- یاد مرگ: «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ ...»^۵؛ هر جا باشید، مرگ شما را در می یابد.
و- یاد قیامت: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۶؛ بدانید، خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند! ما آیات خود را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید.

بنابراین انسان های بی بصیرتی که از هدف، خدا، خود، امکانات، آخرت، نشانه ها، قانون ها و نعمت های خداوندی و گناهان خویش غافل شوند دچار رفاه زدگی و طغیان می شوند.

۱. کهف، ۲۴.

۲. مدثر، ۵۴ و ۵۵.

۳. جن، آیات ۱۶ و ۱۷.

۴. طه، ۱۲۸.

۵. نساء، ۷۸.

۶. حدید، ۱۷.

نتیجه گیری

عنوان تحقیق حاضر عوامل فردی رفاه زدگی است. عوامل فردی رفاه زدگی: پیروی از هوای نفس، غفلت زدگی، دنیا گرایی چشم و هم چشمی و ثروت اندوزی و تکاثر طلبی می باشد. هوای نفس عبارت است از تمایلات و خواسته های نفسانی که از جنبه مادی انسان سرچشمه گرفته و در جهت تقویت بعد حیوانی انسان عمل می نماید و او را به سوی انحطاط و سقوط سوق می دهد یکی دیگر از عوامل فردی رفاه زدگی غفلت زدگی است این واژه در کاربردها و فرهنگ قرآنی به معنای سهوی است که به سبب کمی مواظبت و هوشیاری بر انسان عارض می شود. از جمله عوامل فردی رفاه زدگی چشم و هم چشمی است که نوعی رقابت است و می تواند اخلاقی، غیر اخلاقی، ارزشی و ضدارزشی باشد. اما از نظر اسلام، کمال مطلق، خداوند است و هر انسانی باید برای کسب آن شتاب کرده و گوی سبقت را از همگان برآید، لذا چشم و هم چشمی در این مقوله باید رواج داشته باشد.

دنیا گرایی عامل فردی دیگری برای رفاه زدگی و یکی از مهم ترین دلایل انحطاط جوامع و تمدن های گذشته بوده است و مهم ترین دلیلی که برخی از مردم، دعوت انبیا را نمی پذیرفته اند، همین دنیاگرایی آنان بوده است؛ زیرا هنگامی که دنیاگرایی بر ذهن و ضمیر انسان ها سایه افکنده باشد، دیگر جایی برای رشد ارزش های معنوی که حیات هر جامعه ای به آن است، نخواهد بود.

از عوامل فردی رفاه زدگی می توان به ثروت اندوزی و تکاثر طلبی اشاره نمود؛ زیرا انسان تا زمانی که فقیر و بی پول است از ارتکاب گناه ناتوان است اما به محض این که به مال و ثروت رسید قدرت بر انجام گناه پیدا کرده و اگر به دنبال شهوت برود نتیجه آن هلاکت و نابودی است. چنین انسانی در وهله اول به سمت کارهای مباح می رود اما آن قدر با مباحات مانوس می شود که دیگر از راه حلال به کسب مال و ثروت نمی پردازد و در رشوه، ربا و دروغ غرق می شود و این خود زمینه ای را فراهم می آورد که این چنین انسانی برای امور دنیا و خوش گذرانی غرق در گناه می شود که نتیجه همه این امور دور شدن از مسیر بندگی و انحطاط انسانی است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- ۱- احمدزاده، سید مصطفی، «دنیای‌گرایی، آسیبی فرهنگی از منظر قرآن»، پژوهش‌های قرآنی-ویژه نامه قرآن و مهندسی فرهنگی، شماره ۵۴ و ۵۵، سال ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۲- پورمحمدی ماهونکی، صدیقه، پیامدهای اجتماعی رفاه زدگی، قم: نشرهاجر، چاپ اول، ۱۳۹۶ ه.ش.
- ۳- حسینی، سیدعلی و مصطفی احمدی فر، «رفاه اقتصادی از منظر قرآن و آموزه‌های رضوی»، فرهنگ رضوی (پرتال جامع علوم انسانی)، سال چهارم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۳۴۵ ه.ش.
- ۴- حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه، بی‌جا، بی‌تا.
- ۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران: چاپ محمدسید کیلانی، بی‌جا، ۱۳۳۲ ه.ش.
- ۷- علی ابن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، ترجمه: محمددشتی، قم: انتشارات امیر المومنین (علیه السلام)، چاپ پنجاه و نهم، ۱۳۴۳ ه.ش.
- ۸- عیسی زاده، نیک زاد و عیسی، «اثر دنیا گرایی بر سلامت معنوی انسان و راهکارهای درمان آن»، مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، دوره اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۶ ه.ش.
- ۹- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ه.ش.
- ۱۰- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: موسسه دارالوفاء، بی‌جا، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۱- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: نشر دار الحدیث، بی‌جا، بی‌تا.
- ۱۲- محمدیان، محمد، برادری داشتیم که ...، بی‌جا، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، بی‌جا، ۱۳۸۱ ه.ش.

- ۱۳- محیطی، فرشته، «چشم و هم چشمی خوب و بد از نگاه قرآن»، پژوهشکده باقرالعلوم- بزرگترین بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی، سایت پژوهی، ۳۱ شهریور ۱۳۹۷.
- ۱۴- مدرسی، محمدتقی، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش.
- ۱۵- مدیریت مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی، مدیریت اصلاح الگوی مصرف از دیدگاه اسلام، کرج: نشر آموزش کشاورزی، چاپ اول، ۱۳۸۸ ه.ش.
- ۱۶- موسوی خمینی، روح الله، آداب الصلاة، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌چا، ۱۳۷۸ ه.ش.
- ۱۷- _____، سر الصلاة، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌چا، ۱۳۷۸ ه.ش.
- ۱۸- معتزلی، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی‌چا، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۹- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: امیر کبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶ ه.ش.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ش.
- ۲۱- ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، قم: نشر مکتبه فقیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق.